



نویسنده به درستی مشخص نکرده که هدفش از مقرون کردن و در کنار هم قراردادن این دو، به این شکل و در این جایگاه چه بوده است. ^۶ همین سیر در برخی دیگر از مقالات وی نظیر «کلام معتزله و امامیه» ^۷ و «نقش شیعیان و خوارج در کلام پیش از اشاعره» ^۸ و «مزدکیان و خرمدینان» ^۹ و همچنین بسیاری دیگر از آثار وی وجود دارد.

۵- عدم توجه جدی به آراء گوناگون در یک مسئله
نادیده گرفتن آراء رقیب در برخی از محورهای مورد بررسی ماد لونگ، از جمله اشکالاتی است که می توان به آن توجه کرد. برای نمونه در مقاله «سلطان عادل در فقه شیعه» نویسنده کتاب، به بیان نظریه از دیدگاه سید مرتضی و نهایتاً مقایسه با نظر شیخ طوسی می پردازد و به آراء علمای عقل گرا و نص گرا از مکاتب و فرقه های دیگر در دوره های مختلف، هیچ اشاره ای نمی کند. ^{۱۰} باید توجه داشت که این دست آراء تنها به نظریات عالمان و منتقدان شیعی محدود نمی شود بلکه نظریات و اندیشه های برخی مستشرقان را نیز در بر می گیرد.

۶- گزینش بدون بیان قاعده از میان گزارش های تاریخی
این امر باعث می شود که خواننده ناآشنا به این گونه متون، نتواند تحلیلی کامل و درست از برخی از این مناسبات پیدا کند. برای نمونه ماد لونگ در مقاله «علی الرضا» در جای جای مقاله، رابطه امام و مأمون را بسیار حسنه و به دور از اصطکاک جلوه می دهد، به نحوی که گویی هیچ تعارضی مابین ایشان وجود نداشته یا هیچ سخن مخالفی از ناحیه امام (ع) به مأمون زده نشده است. ^{۱۱}

۷- تعارض سازی خطی
بر اساس آنچه درباره روش های مورد استفاده ماد لونگ گفته

نقل گرانمی برد و بدین ترتیب گزارش ناقصی از وضعیت فکری آن دوره ها ارائه می دهد.

۳- استفاده از منابع استشراقی
تألیفات مستشرقان بخشی از ارجاعات و استنادات ماد لونگ را در بر می گیرد. این امر سبب گردیده تا بسیاری از مباحث، بدون بحث کامل در جهت پاسخگویی به چالش ها، طرح شود که در این موارد نیز صرفاً به گزارش نظرات مستشرقان بسنده شده؛ بدون آنکه به نقد، تحلیل و یا بررسی صحت آن ها توجه شود. از آن جمله استنادات کتاب جانشینی محمد (ص) است که با مشاهده کتاب نامه، این امر به وضوح دیده می شود. برای نمونه ماد لونگ در بخشی از نوشته خود درباره خاتمیت پیامبر به آثار مستشرقانی همچون فریدمن، استرومزا و کولپه اشاراتی دارد ^{۱۲} و به راحتی و بدون تحلیل به آنها اعتماد و استناد کرده است.

۴- ناهمخوانی عناوین با محتوا
در موارد بسیاری عنوان مقالات ماد لونگ با محتوایشان همخوانی ندارد ^{۱۳} یا در برخی موارد در حالی که از عنوان مقاله برمی آید نویسنده قصد دارد دو یا چند باور یا چند فرقه، مکتب و مذهب را با یکدیگر مقایسه کند؛ بعد از مطالعه محتوا، درمی یابیم که مؤلف صرفاً به شرح و توصیف هریک از مکاتب یا باورها به طور جداگانه پرداخته و تلاشی برای مقایسه موردی، جزئی و دقیق گزاره ها و اختلافات نداشته است و کار مؤلف، صرفاً جمع آوری مطالب بوده و مسئولیت سنگین پردازش اطلاعات، مقایسه، تحلیل و نتیجه گیری را بردوش خواننده قرار داده است.

برای نمونه مقاله «تشیع: امامیان و زیدیان» صرفاً تاریخچه ای از شکل گیری و گسترش این دو فرقه را بیان کرده، بدون اینکه ارتباط منطقی یا تأثیر و تأثر و مقایسه ای در میان باشد. همچنین

**در موارد بسیاری
عنوان مقالات
ماد لونگ با
محتوایشان
همخوانی ندارد یا
در برخی موارد در
حالی که از عنوان
مقاله برمی آید
نویسنده قصد دارد
دو یا چند باور یا چند
فرقه را با یکدیگر
مقایسه کند؛ اما
می بینیم کار مؤلف،
صرفاً جمع آوری
مطالب بوده و
مسئولیت سنگین
پردازش اطلاعات،
مقایسه، تحلیل
و نتیجه گیری را
بردوش خواننده قرار
داده است.**